

# انقلابات عربی الزاماً به دمکراسی فرا نخواهند روئید



پنج شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۰ - ۷ آوریل ۲۰۱۱

**برگردان: سیامند**

آنتوان آجوری، Antoine Ajoury

صدهاتن از بنیادگرایان اسلامی راهپیمایی ای برای مقابله با لائیسیتته در تونس سازمان دادند، و خواهان وضع قانونی برای اجباری نمودن حجاب اسلامی در کشور شدند. از نظر حمادی ردیسی استاد علوم سیاسی تونسی برای گام گذاشتن در راه دمکراسی، سه شرط لازم می بایست گرد آیند: صبر و پایداری، تحمل و رواداری، نرمش و انعطاف پذیری.

جهان عرب در جنبش و غلیان است. اعتراضات توده‌ای یکی پس از دیگری، از تونس تا بحرین، مصر و یمن و لیبی را در بر گرفته اند. برخی از حالا ابتدای بهار عربی، که وعده‌ی آینده‌ای بهتر برای مردمان عربی که از بسیاری دهه‌های پیشین سرکوب شده و در استبداد زیسته‌اند، می‌بینند؛ مردمانی که بالاخره می خواهند طعم آزادی و دمکراسی را بچشند، و برخی دیگر چنین اطمینانی ندارند و با تردید بیشتری به آینده می‌نگرند.

حمادی ردیسی استاد علوم سیاسی در دانشگاه تونس معتقد است: «یک انقلاب الزاماً به معنای این نیست انقلابی دمکراتیک صورت گرفته. انقلاب یک دگرگونی توده‌ای، عمومی و متداوم است که می‌کوشد یک سیستم سیاسی را تغییر دهد. اما الزاماً به دمکراسی فرانخواهد روئید.» از نظر او «برای این که انقلابی دمکراتیک باشد، می بایست که رهبری ای دمکراتیک و ارزش‌های دمکراتیک داشته باشد. بدون این، انقلاب امروزه در کشورهای اسلامی می تواند به یک هرج و مرج منتهی شود، یا جنگ داخلی و یا حتی به سوی یک جمهوری اسلامی» همانطوری که در ایران اتفاق افتاد.

آقای ردیسی به همین سان توضیح می دهد که مخمر انقلابی در لیبی و یمن به همان میزانی که در تونس و مصر بود، قدرتمند است، اما شانس‌های دگرگونی دمکراتیک همه به همین پیش رفتگی نیستند. «دمکراسی نوزاد یمنی با تهدیداتی بسیار جدی روبروست. این کشور با قبیله‌گری، جنبش‌های مذهبی رادیکال و به اندازه‌ی کافی قدرتمند حسابی مین‌گذاری شده، و تازه خطر تجزیه طلبی جنوب هم امری واقعی است.»

از سوی دیگر «لیبی خیلی خوب شروع کرد، اما از موقعی که مردم مسلح شدند و مجبورند که با دیکتاتوری خونریز پنجه در پنجه افکنند، و دخالت نظامی خارجی هم به این افزوده شد، داده‌ها رو به پیچیده شدن گذاشت.» آقای ردیسی توضیح می دهد که از همین حالا شاهد مجادله‌ای میان شاخه‌ی نظامی و شاخه‌ی سیاسی انقلاب لیبی هستیم، و اضافه می‌کند که در لحظه‌ی کنونی: «هنوز چهره‌ی یک رهبری لیبیایی را نمی‌بینیم، رهبری که به احتمال قوی از جنگ برخواید خاست تا از سیاست. این همان چیزی است که در الجزایر طی جنگ استقلال دیدیم. احتمال بسیار قوی هست که لیبی هم به سوی یک چنین رژیم‌ی متمایل شود، با یک قدرت غیرنظامی ضعیف، البته بدون این که موجودیت یک هسته‌ی عملی دمکراتیک را فراموش کنیم.»

استاد علوم سیاسی تونسی اما بهر حال خوش بین است: «عملاً در همه‌ی شورش‌های عربی شاهد حضور قدرتمند مطالبات آزادیخواهانه ایم. مردم و جوانان خواهان آزادی اند. شاید که هنوز تصویر

روشنی از سیستم سیاسی آینده ندارند. اما می دانند که می خواهند آزاد باشند.»

### تأثیر شیوع

با این حال، تأثیر شیوع و سرایت در حدی است که دامنگیر شدن آن به کشورهای دیگری چون مراکش و اردن خارج از موضوع نیست. مراکش پیشاپیش با طرح اصلاحات آینده نگری کرده، اما به نظر می رسد مطالبات تظاهر کنندگان بیش از این هاست. «خاندان سلطنتی مراکش وارد بازی مسابقه با زمان شده. آیا آنها به اندازهی کافی توان رفتن هر چه شتابان تر در جهت نظام سلطنتی مشروطه را دارند؟» و به شوخی اضافه می کند «به هیچ عنوان نمی بایست نمونهی انگلیسی را سرمشق قرار داد، در غیر این صورت باید پنج قرن انتظار کشید.»

شرایط در اردن، اما پیچیده تر و مشکل تر است. ابتدا موجودیت اسرائیل در همسایگی است. حمادی ردیسی توضیح می دهد که «در واقع امر شرایط شبیه به بحرین است (که اکثریتی شیعه مذهب دارد) در جهتی که [اردن] اکثریت بسیار قابل توجهی فلسطینی دارد. بی ثباتی در حکومت سلطنتی منجر به بی ثباتی ای منطقه ای خواهد شد. نمی توان حکومتی جمهوری در اردن متصور شد که اکثریت آن به فلسطینی ها متعلق نباشد.»

### شانس های تونس

تونس شانس های زیادی برای تبدیل شدن به یک دموکراسی دارد. آقای ردیسی پرسش گر است و می گوید «موضوع ارزش ها شاید تنها موضوعی باشد که زمینه بحث و مجادله را فراهم آورد. آیا تونس با رعایت گسترده ترین آزادی های ممکن لیبرالی (آزادی عقیده، اندیشه، تجمعات و غیره) یک دموکراسی لیبرال خواهد شد، یا این که حاصلی از درهم آمیزی اسلامی خواهد بود در نوسان میان مدل ترکیه و مدل پاکستان؟» این موضوع تنها از طریق مجلس موسسان که روز 24 ژوئیه آینده انتخاب خواهد شد، مشخص می شود، هر چند که احتمال به تاخیر انداختن این تاریخ زیاد است. فرای این، موضوعی فوری تر هم هست، و آن هم روشن شدن جایگاه سیاسی است. «انقلاب تونس بدون هیچ رهبری سیاسی ای صورت گرفت. درست به فوریت بعد از آن، شاهد بازگشت تشکلهای سنتی پیشاپیش موجود که نیروهای اصلی اپوزیسیون بودند، بودیم؛ و امروز چیزی حدود پنجاه حزب سیاسی داریم. یعنی شاهد یک توسعه و تکثر احزاب سیاسی هستیم، احزابی که به جز برخی از آنها، فاقد پایه ی اجتماعی اند. حتی مشروعیت کمیسیون عالی مسئول برگزاری انتخابات هم زیر سؤال است. می توان گفت که در شرایط کنونی شاهد یک لحظه ای انسداد در تونس هستیم، یکی از اولین از دست رفته ها.»

### سه شرط برای در پیش گرفتن مسیر دموکراسی

از نظر استاد علوم سیاسی تونس، سه شرط است که اجازه می دهد تونس در مسیر دست یابی به دموکراسی گام نهد. این شروط راه های حرکت به سوی دموکراسی از نوع لیبرال، در تقابل با آن چیزی که در انگلیسی "illiberal democracy" (دموکراسی غیر لیبرال) می نامند، خواهد گشود. اول از همه صبر و استقامت. فعالین [انقلاب] همه چیز می خواهند، همه را هم فوری می خواهند. مهلت زمانی سیاستمداران با مهلت زمانی مردم و جمعیت با هم هماهنگ نیست. چیزی که توضیح گر «اشاعه و تکثر تحصن ها، تظاهرات و حتی پدیده ی خودسوزی ها، که همچنان ادامه دارند و نشانگر امتناع مسری در مقابل هر نوع تحقیری در تونس است.» به این طریق برای هر نوع حکومتی بازگشت به نقطه ی اولیه بسیار مشکل خواهد بود. و اضافه می کند «چرا که تونس ها امروز عمیقاً حساسند، حساسیتی که به احادی اجازه نخواهند داد اندکی پیروزی شان را به یغما ببرد.» شرط دوم، انعطاف پذیری است. این [مترادف] اعتدال نیست. «به این طریق می توان همچنان رادیکال

ماند و انعطاف پذیر هم بود، معتدل، اما قاطع و محکم. بطور مثال، اسلامیست‌ها در زمینه‌ی ایدئولوژیک قاطع و محکم اند، اما در زمینه‌ی سیاست پراگماتیک‌اند». به این طریق می‌بایست که فعالین برای این‌که بتوانند با یکدیگر همکاری و هماهنگی نمایند، رفتاری منطقی و معقول در پیش بگیرند.

شرط سوم تحمل و رواداری است. به نقل از آقای ردیسی «گروه لائیک‌ها با پذیرش احزاب اسلامیست در تقابل با تمایلاتش حرکت کرده، اما آنها می‌خواهند که احزاب مذهبی هم به همین میزان تساهل و رواداری عمل کنند. تساهل به معنای حق متفاوت بودن، حق اشتباه و خطا کردن، و همچنین حق درگیر نبودن [بی‌خیالی] است. مردم حق دارند که در کوران [انقلاب] نباشند، هم عقیده‌ی اکثریت جمعیت نباشند، این‌گونه افراد حق رواداری و تحمل شدن دارند، در غیر این صورت به دام رژیم‌ی اسلامی از مدل پاکستانی خواهیم افتاد». از نظر این متفکر تونسی «پاکستانی کردن دموکراسی مشتمل بر داشتن انتخابات است، اما توده‌ی مردم ماهیتاً محافظه‌کار و متعصب باقی می‌مانند، با جزیره‌هایی از مدرنیته که در مقابل کنفورمیسم و محافظه‌کاری عمومی به مقاومت برمی‌خیزد».

تونسی خواهان اصلاحاتی رادیکال است، در حالی که در ابتدا دولت و گروهی از برگزیدگان می‌خواستند هسته‌ی مرکزی قانون اساسی 1959 را حفظ کنند، که البته قانونی لیبرال است، اما به فساد و ابتذال کشیده شده. در چنین شرایطی، تونس امروزه همچنان روزهایی با شرایط انقلابی را از سر می‌گذراند، روزهایی که راهنمون اصلاحات نه توسط دولت و نه توسط برگزیدگان در قدرت، بلکه توسط توده‌های خیابان روشن شده است. بر خلاف مصری‌ها و الجزایری‌ها، تونسی‌ها هر روز در خیابان‌اند تا خواهان تغییرات شوند.

## انقلاب مصر

حمادی ردیسی می‌گوید اگر با مصر مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که هرچند مخمر انقلاب کم و بیش شباهت داشته، یعنی توسط فیس بوک، تظاهرات جوانان و غیره، نتایج، اما متفاوتند. ابتدا این که حسنی مبارک فرار نکرد، اما خود گذار را سازماندهی کرد. بعد از آن، ارتش در حال بازی کردن نقشی بسیار مهم برای تضمین گذار است. تفاوتی دیگر نشانگر تباین میان این دو کشور است؛ تونس گزیدن قانون اساسی جدیدی که پایه گذار رژیم پارلمانی خواهد بود را برگزیده، در حالی که مصر تصمیم گرفته که قانون اساسی پیشین اش از نوع جمهوری را حفظ کند.

و می‌افزاید: «همین مثال نشان می‌دهد که مورد تونس یک انقلاب مردمی بود و همچنان هست و در جایی که تناقضات همچنان آشکارا مشهودند، به این ترتیب قادر خواهد بود به دموکراسی از نوع جهانی آن دست بیاید. در حالی که در مصر این تناقضات کنترل شده‌اند. در نتیجه احتمال این هست که اگر مصر به سوی دموکراسی گام بردارد، این دموکراسی از نوع کنترل شده خواهد بود، یک دموکراسی نمایندگی شده، قیم گونه».

در اوضاع و احوال کنونی انقلابات عربی، شاهد اصلاح نقش ارتش هستیم. حال چه تونس باشد، چه مصر، یمن یا تا حدودی در لیبی، می‌بینیم که نظامیان طرف خود را انتخاب می‌کنند و از فرمان آتش بر علیه جمعیت سرپیچی می‌کنند و مطالبات جمعیت را مورد حمایت قرار می‌دهند. به همین سان می‌توان گمان برد که در مصر نیز، ارتش قدرت را به یک دموکراسی انتقال خواهد داد، اما این دموکراسی، دموکراسی ای جهت داده شده، از نوع کنترل شده توسط نظامیان، که نقشی در پشت صحنه به عهده خواهند گرفت، خواهد بود. «به این ترتیب است که می‌توان از دو مدل رژیم صحبت کرد، یکی ترکیه و یا پاکستان. و بسیار مهم است که در ابتدا ارتش نقشی میانجی‌گرانه به عهده خواهد داشت، که در این نقش خود احتمالاً حافظ لائیسیته خواهد بود، چرا که این کشورها به زمانی برای انطباق نیاز دارند.»

## نمونه‌ی ترک

از نظر حمادی ردیسی، نمی‌بایست ساده‌نگر بود، اگر شرایط اجتماعی نشانی از آمادگی داشته باشد، اسلام‌یست‌ها به سرعت بسیار پر اشتها خواهند شد. «آنچه که در نمونه‌ی تجربه‌ی ترک از نظر تاریخی بسیار جالب است، این است که ارتش و قشر سیاسی‌های لائیک بطور عمومی، در همان دوران آتاتورک، اسلام‌یست‌ها را به سوی پذیرش و فطری نمودن لائیسیته راندند.» در حالی که در تونس و در مصر، النهضت و اخوان المسلمین، لائیسیته را، به معنای جدایی میان دین و دولت، نمی‌پذیرند. اندیشمند تونسی برآشفته ادامه می‌دهد «آنها حتی فرمولی را که من پیشنهاد می‌کنم نیز نمی‌پذیرند، یعنی بی‌طرفی دولت در زمینه‌ی دین و به این معناست که در قانون اساسی اشاره‌ای به دین دولت نشود. بدین سان در را باز می‌گذارید که نه تنها جامعه با ریتم عادی خود، و بر اساس ترم‌های خودش زندگی کند، بلکه در عین حال اسلام‌یست‌ها هم زمانی که به قدرت برسند، بند اول قانون اساسی تونس و بند دوم قانون اساسی مصر را بهانه نخواهند کرد، تا اسلام خودشان را اجرا و عملی کنند.» و آقای ردیسی هشدارگونه می‌افزاید «اگر که داریم قانون اساسی‌ای برای پنجاه سال آینده تهیه می‌کنیم، نمی‌توان همچنان و برای همیشه وام‌دار و وابسته به یک نگرش اعتدالی از اسلام ماند. خوب می‌تواند که روزی یک حزب اسلام‌یست در انتخاباتی دمکراتیک برنده شود، و بعد هم شروع کند به اجرا و عملی کردن قوانین شریعت، چرا که [در قانون اساسی] اسلام دین اعلام شده‌ی دولت است.»

### ضدانقلاب

از نظر او، جهان عرب مواجه با لحظه‌ی انقلابی بزرگی است، اما اطمینانی نیست که همه‌ی این انقلابات به استقرار دمکراسی لیبرال منتهی شود. «نمی‌بایست قدرت ضدانقلاب را دست کم گرفته و فراموش کرد؛ ضدانقلابی که امکانات و ابزار سازماندهی خود در سه یا چهار سال آینده را در اختیار دارد.» در واقع برای تثبیت و استقرار دمکراسی‌ای نوزاد، به زمان نیاز است. ضدانقلاب هم همینطور می‌تواند از درون یک نیروی توازن که روی ثبات و توسعه‌ی اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کند، سر برآورد. این جریان نیرویی اساساً غیرنظامی، و نسبتاً سالم خواهد بود، به معنای اینکه فاسد [از نظر مالی] نخواهد بود. و برآورد می‌کند «فراموش نکنیم که مردم اساساً برای آزادی و علیه فساد به انقلاب برخاستند. یک جنبه‌ی روحی بسیار مهم در این انقلاب است.»

انتظارات بسیار عظیم اند. اما دمکراسی، مدرنیزاسیون و راه حل برای مشکلات اجتماعی - اقتصادی هم نیازمند پیش روی با ریتم خودشان هستند. این است موضوع کنونی این انقلابات.

از نظر آقای ردیسی برای این که جهان عرب - مسلمان دمکراتیزه شود، می‌بایست که این دمکراتیزاسیون را به روشی لیبرال به انجام رساند. «یعنی با در نظر گرفتن این که فضای سیاسی فضایی بی‌طرف است نسبت به نعارضات، حتی اگر که برانگیزاننده‌ی حساسیت‌های مذهبی باشد، مثل همه‌ی کشورهای جهان. این حساسیت مذهبی نمی‌بایست برنامه‌ای مذهبی باشد.» امروز ما در این لحظه ایستاده ایم. به چهار یا پنج سال دیگر نیاز داریم تا ببینیم در این چالش موفق بوده ایم یا خیر. حمادی ردیسی نتیجه می‌گیرد «این موفقیت در مقایسه با دیگر معضلاتی که جامعه‌ی خاورمیانه‌ای با آنها روبروست، تعیین کننده خواهد بود؛ معضلاتی همچون استثنای فرهنگی، همگرایی فرهنگی‌ای که موفق نیست، که نه کاملاً مدرن است و نه کاملاً سنتی، که جامعه را در حالتی ناراحت فرو می‌برد، چیزی که همچون یک تراژدی با آن برخورد شده، در عین اینکه این همگرایی فرهنگی می‌تواند سعادت‌ی بزرگ باشد.»

حمادی ردیسی همچنین نویسنده‌ی سیاست در اسلام (نشر L'Harmattan در 1998) و استثنای اسلامی (نشر Seuil در 2004) است.

تصویر از ژانس فرانس پرس/ فتحی بلید

